

---

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۸۶

آیه ۶ - ۹

آیه ترجمه

فلنسلن الذین ارسل الیههم و لنسلن المرسلین ۶  
 فلنقصن علیهم بعلم و ما کنا غائبین ۷  
 و الوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موزینه فاولئک هم المفلحون ۸  
 و من خفت موزینه فاولئک الذین خسرو انفسهم بما کانوا بایتنا یظلمون ۹  
 ترجمه :

- ۶ - بطور قطع از کسانی که پیامبران را به سوی آنها فرستادیم سؤال خواهیم کرد و از پیامبران (نیز) سؤال می کنیم.
- ۷ - و مسلماً (اعمال همه را مو به مو) از روی علم (وسیع خود) برای آنان شرح خواهیم داد و ما (اصولاً) غائب نبودیم (بلکه همه جا حاضر و ناظر بودیم).
- ۸ - و وزن کردن (اعمال و سنجش ارزش آنها) در آن روز حق است، کسانی که میزانهای (عمل) آنها سنگین است رستگاراند.
- ۹ - و کسانی که میزانهای (عمل) آنها سبک است افرادی هستند که سرمایه وجود خود را به خاطر ظلم و ستمی که به آیات ما می کردند از دست داده اند.
- تفسیر :

بازپرسی عمومی

در آیات گذشته اشاره ای به شناسائی خدا و نزول قرآن مجید بود، اما آیات مورد بحث که سخن از معاد می گوید، در واقع مکملی است برای آیات گذشته، به علاوه در آیه قبل سخن از مجازات دنیوی ستمکاران در میان بود، در

---

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۸۷

این آیات بحث از مجازات اخروی آنها می شود و به این ترتیب پیوندی روشن دارند.

نخست به عنوان یک قانون عمومی می فرماید: از تمام کسانی که پیامبران به

سوی آنها فرستاده شدند، به طور قطع در روز قیامت سؤال می‌کنیم (فلنسلن الذین ارسل الیهم).

نه تنها از آنها می‌کنیم از پیامبرانشان نیز می‌پرسیم که رسالت خویش را چگونه انجام دادند (و لنسلن المرسلین).

بنابراین، هم رهبران مسئولند و هم پیروان، هم پیشوایان و هم تابعان، منتها چگونگی مسئولیتهای این دو گروه متفاوت است.

حدیثی که از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در این زمینه نقل شده، نیز این معنی را تایید می‌کند، آنجا که می‌فرماید: فیکام الرسل فیسلون عن تادیه الرسالات التي حملوها الی اممهم فاخبروا انهم قدادوا ذلک الی اممهم ... پیامبران را نکه می‌دارند و از آنها سؤال می‌کنند که آیا رسالت خویش را به امتها رساندند یا نه؟ آنها پاسخ می‌گویند که این وظیفه را انجام داده‌اند.

در روایت دیگری که در تفسیر علی بن ابراهیم نقل شده نیز به این معنی تصریح شده است.

در آیه بعد برای اینکه کسی تصور نکند که سؤال از امتها و پیامبرانشان دلیل بر این است که چیزی از علم خدا مخفی می‌ماند، با قاطعیت و صراحت و تاکید آمیخته با قسم می‌گوید: ما با علم و دانش خویش تمام اعمالشان را برای آنها شرح می‌دهیم، زیرا ما هرگز از آنها غائب نبودیم، همه جا با آنها بودیم و در هر حال همراهشان (فلنقصن علیهم بعلم و ما کنا غائبین).

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۸۸

فلنقصن که از ماده قصه گرفته شده است، در اصل به معنی پشت سر هم قرار گرفتن است، و چون در شرح یک ماجرا، مطالب پشت سر هم پیاده می‌شود، به آن قصه می‌گویند، و همچنین مجازاتی که پشت سر جنایت انجام می‌گردد، قصاص گفته می‌شود و نیز به قیچی مقص (بر وزن پسر) می‌گویند، چون موها را پشت سر هم قطع می‌کند، و نیز جستجوی درباره چیزی را قص (بر وزن مس) می‌گویند، زیرا شخص جستجوگر حوادث را پشت سر هم تعقیب و دنبال می‌کند از آنجا که در آیه چهارنوع تاکید در این زمینه دیده می‌شود (لام قسم، و نون تاکید، و کلمه علم که به صورت نکره ذکر شده و منظور از آن بیان عظمت است، و جمله ما کنا غائبین هیچگاه غائب نبوده‌ایم) استفاده می‌شود که منظور آن است که ما تمام جزئیات کار آنها را مو به مو و پشت سر هم

برایشان تشریح می‌کنیم تا بدانند، کوچکترین نیت یا عملی از علم ما پنهان نمی‌ماند.

### سؤال برای چیست؟

نخستین بحثی که در اینجا پیش می‌آید این است که ما می‌دانیم خداهمه چیز را می‌داند و اصولاً در همه جا حاضر و ناظر است با اینحال چه نیازی به سؤال دارد که انبیاء و امتها را عموماً و بدون استثناء مورد بازپرسی قرار دهد؟! جواب این پرسش روشن است، زیرا اگر سؤال برای استعلام و درک واقعیت چیزی باشد در مورد کسی که عالم است معنی ندارد ولی اگر منظور توجه دادن خود شخص و اتمام حجت به او و امثال آن بوده باشد، هیچ مانعی ندارد، درست مثل اینکه ما به شخص فراموشکاری خدمتهای زیاد کرده‌ایم، و او به جای

---

### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۸۹

خدمت مرتکب خیانت‌هایی شده و همه این مسائل پیش ما روشن است او را مورد بازپرسی قرار داده و می‌گوئیم آیا ما اینهمه به تو خدمت نکردیم؟ و آیا تو حق این خدمات را ادا کردی؟! این سؤال برای کسب علم نیست بلکه برای تفهیم طرف است، و یا اینکه برای ابراز قدردانی از یک فرد خدمتگزار و تقدیر و تشویق از اومی پرسیم در این سفر ماموریتی که داشتی چه کارها انجام دادی؟ باینکه از جزئیات آن قبلاً آگاه شده‌ایم.

### آیات سؤال در قرآن

ممکن است تصور شود، آیات مورد بحث که با صراحت و تاکید و قسم می‌گوید از همه در روز قیامت سؤال می‌کنیم، با بعضی دیگر از آیات قرآن منافات دارد، مثلاً در سوره الرحمن می‌خوانیم فیومئذ لا یسئل عن ذنبه انس و لا جان ... یعرف المجرمون بسیماهم ...

: در آن روز از هیچکس نه انس و نه جن، سؤالی نمی‌شود... بلکه افراد گناهکار از سیمایشان شناخته می‌شوند و همچنین آیات دیگر که را نفی می‌کند با آیه مورد بحث که سؤال را اثبات می‌کند چگونه سازگار است؟

ولی دقت در این آیات هر گونه ابهامی را برطرف می‌سازد، زیرا از مجموعه آیات مربوط به سؤال و جواب در روز قیامت چنین استفاده می‌شود، که مردم

در آن روز، مراحل مختلفی را می‌پیمایند، در پاره‌ای از مراحل هیچگونه سؤال و پرسشی از آنها نمی‌شود، حتی مهر بر دهان آنها می‌گذارند و تنها اعضای پیکرشان که آثار اعمال را در خود حفظ کرده‌اند، به عنوان یک گواه گویا و انکار ناپذیر چگونگی اعمالشان را بازگو می‌کنند.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۹۰

در مرحله بعد، مهر از زبان آنها برداشته می‌شود، و به سخن می‌آیند و از آنها پرسش می‌شود، آنها نیز با مشاهده روشن شدن حقایق در پرتوگواهی اعضا، به اعمال خود اعتراف می‌کنند، درست همانند مجرمی که با مشاهده آثار عینی جرم چاره‌ای جز اعتراف نمی‌بیند.

بعضی از مفسران نیز در تفسیر این آیات احتمال داده‌اند که آیات نفی‌کننده سؤال اشاره به سؤال و جواب زبانی است، و آیات اثبات‌کننده سؤال اشاره به سؤالاتی است که از اعضای بدن می‌شود و آنها به زبانشان - همانند رنگ رخسار انسان که خبر از سر درون او می‌دهد - حقایق را بازگو می‌کنند.

و در هر صورت اختلافی در میان این دو دسته آیات نیست.

در آیه بعد برای تکمیل بحث رستاخیز، اشاره به مساله سنجش اعمال می‌کند که نظیر آن در سوره‌های دیگر قرآن از جمله در سوره مؤمنون آیه ۱۰۲ و ۱۰۳ و سوره قارعه آیه ۶ و ۸ آمده است.

نخست می‌گوید: مساله توزین اعمال در آن روز حق است (و الوزن يومئذ الحق).

#### ترازوی سنجش اعمال در قیامت چیست؟

درباره چگونگی توزین اعمال در روز رستاخیز، بحث فراوانی در میان مفسران و متکلمان شده است، و از آنجا که بعضی چنین تصور کرده‌اند، وزن

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۹۱

و ترازو، در آن جهان، همانند وزن و ترازو در این جهان است، و از طرفی اعمال انسان سنگینی و وزنی ندارد که بتوان آن را با ترازو سنجید، ناچار شده‌اند، از طریق تجسم اعمال، و یا اینکه خود اشخاص را به جای اعمالشان در آن روز وزن می‌کنند، مشکل را حل نمایند، و حتی عبارتی از عبید بن عمیر نقل شده است که می‌گوید: یؤتی بالرجل الطویل العظیم فلا یزن جناح بعوضة: یعنی در

آن روز، افراد بزرگ جثه‌ای را می‌آورند که در ترازوی سنجش باندازه بال مگسی وزن ندارند! اشاره به اینکه ظاهر آدم‌های با شخصیتی بودند و در باطن هیچ!

ولی اگر مساله مقایسه زندگی آن جهان را با زندگی دنیا کنار بگذاریم و توجه داشته باشیم که همه چیز در آنجا با اینجا متفاوت است، درست همانند تفاوتی که میان زندگی جنین در عالم رحم، با زندگی انسان در این دنیا وجود دارد، و نیز توجه داشته باشیم که در فهم معانی الفاظ نباید همیشه، به دنبال مصداقهای موجود و معین برویم، بلکه مفاهیم را از نظر نتیجه بررسی کنیم، مساله وزن در روز رستاخیز کاملاً حل خواهد شد.

توضیح اینکه در گذشته هنگامی که مثلاً نام چراغ برده می‌شد ظرفی به نظر می‌رسید که مقداری ماده روغنی در آن ریخته شده بود و فتیله‌ای در میان آن نصب گردیده و احتمالاً حبابی نیز روی آن برای تنظیم هوا قرار داده شده بود، در حالی که امروز از کلمه چراغ چیز دیگری می‌فهمیم، دستگاهی که نه ظرفی برای روغن دارد، و نه فتیله‌ای، و نه حبابی برای تنظیم هوا، اما آنچه چراغ امروز را با دیروز پیوند می‌دهد همان هدف و نتیجه آن است، یعنی وسیله‌ای که تاریکی را از میان می‌برد.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۹۲

در مساله میزان نیز چنین است و در همین جهان می‌بینیم که با گذشت زمان ترازوها چه اندازه دگرگون شده‌اند، و حتی لفظ میزان به وسائل دیگر سنجش نیز گفته می‌شود، مانند میزان الحراره (وسیله سنجش گرما) میزان - الهوا (وسیله سنجش هوا) و مانند آن.

بنابراین، آنچه مسلم است این است که در روز رستاخیز اعمال انسان با وسیله خاصی سنجیده می‌شود نه با ترازوهایی همانند ترازوهای دنیا، و چه بسا آن وسیله همان وجود انبیاء و امامان و افراد صالح بوده باشد، و در روایاتی که از طرق اهل بیت (علیهم‌السلام) به ما رسیده این مطلب به خوبی دیده می‌شود. در بحار الانوار از امام صادق (علیه‌السلام) در پاسخ سؤال از تفسیر آیه و نضع الموازين القسط چنین می‌خوانیم: و الموازين الانبياء و الاوصياء و من الخلق من يدخل الجنة بغير حساب! میزان سنجش در آن روز پیامبران و اوصیای آنها هستند و از مردم کسانی می‌باشند که بدون حساب وارد بهشت می‌شوند!

(یعنی کسانی که در پرونده اعمال آنها نقطه تاریکی وجود ندارد).  
و در روایت دیگری چنین نقل شده است: ان امیر المؤمنین و الائمة من ذریته هم الموازین: یعنی امیر مؤمنان و امامان از فرزندان او ترازوهای سنجشاند.  
و در یکی از زیارات مطلقه امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می خوانیم: السلام علی میزان الاعمال: سلام بر میزان سنجش اعمال!  
در واقع مردان و زنان نمونه جهان، مقیاسهای سنجش اعمال انسانها هستند و هر کس به آن اندازه که به آنها شباهت دارد، وزن دارد، و آنها که از ایشان بیگانه اند، کم وزن یا بی وزنند.

---

### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۹۳

حتی در این جهان نیز دوستان خدا مقیاس سنجشند، ولی از آنجا که بسیاری از حقایق در این عالم در پرده ابهام میماند و در روز قیامت که به مقتضای و برزوا لله الواحد القهار (ابراهیم - ۴۸) روز بروز و ظهور است این واقعیتها آشکار می گردد.

و از اینجا روشن می شود که چرا موازین جمع بسته شده است، زیرا اولیای حق که ترازوهای سنجشند متعددند.

این احتمال نیز وجود دارد که هر کدام از آنها در صفتی ممتاز بوده اند، بنابراین هر یک میزان سنجش یکی از صفات و اعمال آدمی هستند و چون اعمال و صفات انسانها مختلف است الگوها و ترازوهای سنجش نیز باید مختلف باشد.  
و نیز از اینجا روشن می شود که آنچه در بعضی از روایات مانند روایتی از امام صادق (علیه السلام) وارد شده که پرسیدند ما معنی المیزان قال العدل: معنی میزان چیست؟ فرمود عدل است منافاتی با آنچه گفتیم ندارد، زیرا دوستان خداوند و مردان و زنان نمونه جهان، مظهر عدل می باشند، عدل از نظر فکر و عدل از نظر عقیده و عدل از نظر صفات و اعمال (دقت کنید).

در جمله بعد می فرماید: آنها که میزانهای سنجششان سنگین است رستگارانند و آنها که میزانهای سنجششان سبک است کسانی هستند که سرمایه وجود خود را به خاطر ظلم و ستمی که در برابر آیات ما داشتند از دست داده اند (فمن ثقلت موازینہ فاولئک هم المفلحون و من خفت موازینہ فاولئک الذین خسروا انفسهم بما کانوا بایاتنا یظلمون).

بدیهی است منظور از سبکی و سنگینی میزان اعمال، سبکی و سنگینی خود

میزان نیست بلکه ارزش و وزن چیزهائی است که با میزان سنجیده می شود. ضمناً تعبیر خسروا انفسهم (سرمایه وجود خود را از دست دادند) اشاره

---

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۹۴

لطیفی به این واقعیت است که این گونه اشخاص گرفتار بزرگترین زیان و خسران می شوند، زیرا گاهی انسان زیان می کند و تنها مال یا مقام خود را از دست می دهد، ولی گاهی زیان می کند و اصل وجود هستی او به هدر می رود، بدون اینکه سرمایه ای در برابر آن بدست آورده باشد، و این بزرگترین زیان است.

تعبیر به ظلم به آیات که در آخر آیه ذکر شده اشاره به این است که اینگونه اشخاص نه تنها به خود ستم می کنند، بلکه به برنامه های هدایت الهی نیز ستم کرده اند، زیرا این برنامه ها می بایست وسیله هدایت و نجات گردد، و اگر به آن بی اعتنائی شد و این اثر از آنها بدست نیامد، به آنها ستم شده است.

در بعضی از روایات آمده است که منظور از آیات در اینجا، پیشوایان بزرگ دین و ائمه هدی هستند، البته همانطور که بارها گفته ایم، معنی اینگونه تفسیرها منحصر ساختن مفهوم آیه در آنها نیست، بلکه آنها مصداق روشن آیات الهی هستند.

جمعی از مفسران ظلم به آیه را به معنی کفر و انکار آن گرفته اند، و البته این معنی از مفهوم ظلم دور نیست، و در بعضی دیگر از آیات قرآن نیز ظلم به همین معنی آمده است.